



کاهش طلاق توافقی در تهران

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان تهران از کاهش ۴۱ درصدی طلاق توافقی در شهر تهران خبر داد. به گفته او: «در سال ۱۴۰۲ میزان طلاق توافقی ۴۱ درصد کاهش داشته است و متأسفانه افراد به طلاق یک طرفه از سوی زوج یا زوجه روی آورده اند که آمارهای افزایشی نگران کننده است.» به گزارش ایلسا، ابوالفضل نیکوکار با بیان اینکه طلاق آهنگی رو به رشد داشته و توجه کارشناسان را به خود معطوف کرده است، گفت: «نگرانی‌ها از رشد سریع طلاق و تحول در شیوه‌های طلاق و فقدان مکانیزم‌هایی که به کاهش طلاق یا کم کردن پیامدهای مخاطره آمیز آن بیانجامد است که براین اساس در سال‌های اخیر کنترل و کاهش آسیب‌های طلاق یکی از اولویت‌های معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان تهران بوده است.» او ادامه داد: «افزایش طلاق در جامعه علل متفاوتی از جمله فقر، بیکاری، اعتیاد، ضعف فرهنگی، عدم مهارت‌های زندگی، فضای مجازی و... دارد و آسیب‌های متعددی از جمله گسستگی خانواده و آسیب‌های ناشی از فرزندان طلاق را به همراه خواهد داشت.»

عکس: آرش خاموشی - هم‌پیمان



رفتار
شناسی

گزارش «هم‌میهن» درباره چگونگی مشارکت ایرانی‌ها در انتخابات

پیام ۶۰ درصدی

سارا سبزی، زهرا جعفرزاده

گروه جامعه



هدشار درباره «آبله میمونی»

شیوع فعلی «امپاکس» در نزدیکی مرز کنگو یا رواندا، بوروندی و اوگاندا باعث نگرانی مقامات بهداشتی شده است. مقامات مؤسسات بهداشت بین‌المللی ناظر بر شیوع بیماری «امپاکس» (که پیش‌تر با نام آبله میمونی شناخته می‌شد) می‌گویند، سوبه جدیدی از ویروس عامل این بیماری که به سرعت در امتداد مرز شرقی جمهوری دموکراتیک کنگو گسترش می‌یابد، باعث «نگرانی شدید» شده است. به گزارش ایلسا، این ویروس که ابتلای به آن می‌تواند باعث ایجاد ضایعات پوستی در سراسر بدن شود، در برخی افراد دارای عوارض شدیدی است که ممکن است کشنده باشد. هر چند شیوع کنونی این بیماری ناشی از رابطه جنسی بوده، اما شواهدی هم وجود دارد مبنی بر این که این سوبه ممکن است از طریق تماس نزدیک پوستی نیز منتقل شود. کارشناسان سازمان جهانی بهداشت (WHO) می‌گویند که سوبه جدید، خطر گسترش فرامرزی و بین‌المللی این بیماری را به همراه دارد و یکی از کارشناسان آن را «خطرناک‌ترین سوبه» این بیماری توصیف کرده که تاکنون شناخته شده است.



۵ میلیارد نفر تحت تأثیر گرمای شدید

نزدیک به ۵ میلیارد نفر از ۱۶ ژوئن تا ۲۴ ژوئن (ماه جاری میلادی) تحت تأثیر گرمای شدید ناشی از تغییرات آب‌وهوایی قرار گرفتند. به گزارش ایلسا، به گفته یک سازمان خبری غیرانتفاعی مستقر در ایالات متحده که در مورد علم آب‌وهوا گزارش می‌دهد، به دلیل تغییرات آب‌وهوایی ناشی از گازهای گلخانه‌ای، سوختن بنزین، گاز و زغال سنگ، ۶۱۹ میلیون نفر در هند و ۵۷۹ میلیون نفر در چین در معرض گرمای شدید قرار گرفتند. همچنین گرمای شدید ۲۳۱ میلیون نفر در اندونزی، ۲۰۶ میلیون نفر در نیجریه، ۱۷۶ میلیون نفر در برزیل، ۱۷۱ میلیون نفر در بنگلادش، ۱۶۵ میلیون نفر در آمریکا، ۱۵۲ میلیون نفر در اروپا، ۱۲۳ میلیون نفر در مکزیک، ۱۲۱ میلیون نفر در ایتالی و ۱۰۲ میلیون نفر در مصر تحت تأثیر قرار داده است. به گزارش آنتولی، حداقل ۱۳۰۰ زائر حج در عربستان سعودی بر اثر گرمای شدید جان خود را از دست دادند.

محقق شد، تناسبی نداشت. اصلاح در دوسال اول ریاست جمهوری روحانی محقق اما بعد سرکوب شد. اودر توضیح بیشتر می‌گوید: «این سرکوب دوریشه داشت؛ یکی داخلی و دیگری خارجی، قدرت گرفتن ترامپ و خارج شدن از برجام در این زمینه بی‌تاثیر نبود. پیش از اینکه ترامپ به قدرت برسد، همین دوستانی که یکی از کلیدیداهار نماینده خودمی دانند، از هیچ کوششی برای قفل کردن هر نوع امکان گشایش از طریق برجام دریغ نکردند. به اینها باید ائتلاف عبری و عربی را هم اضافه کرد؛ کشورهای همسایه از این گشایش خوشحال نبودند و در نهایت هم نیروهای داخلی این زمینه را فراهم کردند. در نهایت هم به شکل مشارکت ۴۸ درصدی در انتخابات ریاست جمهوری قبلی نشان داده شد.» او معتقد است که پیش از اینها نسبت به این کاهش مشارکت مردم، هشدار داده شده بود: «دورنمای این روند کاملاً آشکار شده بود، متخصصان، عالمان اجتماعی، سیاست‌گذاران و... در آن سال‌ها توضیح داده بودند که چه بر سر اعتماد و امید اجتماعی می‌آید. در آخرین نتایج سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان هم اعلام شد که اعتماد اجتماعی به کمترین میزان یعنی حدود ۲۷/۲۸ درصد رسیده است. این مسئله وقتی به تحلیل کاهش مشارکت انتخابات می‌رسد، بسیار معنادار می‌شود.»

به گفته این استاد دانشگاه، پیامد چنین اتفاقی، خرد شدن جامعه به اقلیت‌های کوچک است. اگر آنها به رسمیت شناخته نشوند، عملاً منجر می‌شود تا کشور حکمران پذیر نباشد: «اگر سیاست‌گذار و سیاست‌گر در کشور ما متوجه نشود که اعتماد سیاسی به کف خود رسیده و جامعه به شدت متکثر شده است، اتفاقات خطرناکی می‌افتد. یکی از آنها این است که هیچ تصمیمی به مر حله عمل و اجرا نمی‌رسد. حتی اگر آن تصمیم به اندازه تصمیم‌گیری برای واردات خودروهای دسته دوم باشد یا مسائلی که مربوط به تعدیل نرخ حمل‌های انرژی است؛ سیاست‌های بسیار پیش‌پا افتاده که در بخش کارشناسی می‌تواند به جمع‌بندی برسد. اما چندین سال است که دربار چنین تصمیم‌هایی هم نمی‌توان به جمع‌بندی رسید؛ از جمله تحریم‌ها و آمدن ترامپ که این وضعیت را تشدید کرد: «واقعیت این است که کشور در سرفصل‌های مختلف از امنیت داخلی تا منطف‌های نیاز به تصمیم‌گیری‌های بزرگ دارد و اینها نیاز به انسجام اجتماعی دارند. تنها راهش جدی گرفتن فرصت‌های انتخاباتی در غیاب احزاب، جامعه مدنی و دولت‌های قوی و موثر است؛ مواردی که عملاً جایگاه خودشان را از دست داده اند.»

او در ادامه به نکته دیگری اشاره می‌کند و آن هم سهم نفوذ جایگاه ریاست جمهوری در روندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های کشور است. «از میزان مشارکت مردم می‌توان این تحلیل را داشت که وقتی مردم می‌بینند رئیس‌جمهور در هیچ پای‌ای جدی گرفته نمی‌شود، خودشان هم دیگر تمایلی برای مشارکت پیدا نمی‌کنند. در رویدادهای انتخاباتی اگر حکمران به این دو نکته توجه کند که مادر کشور با اقلیت‌های پرشماری مواجهیم که در ساخت قدرت بازنمایی نمی‌شوند و مطالبات‌شان برآورده و به رسمت شناخته نمی‌شود، همچنین اعتماد اجتماعی وجود ندارد، می‌توان وضعیت فعلی را ترمیم کرد و فضا به سمت کثرت‌پذیری بیشتر پیش برود.» او درباره اینکه آیا میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری که به دور دوم کشیده شده، بیشتر خواهد شد، می‌گوید: «پیش‌بینی حضور بیشتر مردم در دور دوم انتخابات، سخت است، اما می‌شود تصور کرد که بخشی از آرای که به سید رای آقای قالیباف ریخته شده بود بین آقای جلیلی و پزشکیان تقسیم شود، البته در قدر مطلق آراء تأثیر چندانی نخواهد گذاشت.» او ادامه می‌دهد: «اما با یک ریزش آراء مواجه خواهیم شد، احتمالاً کسانی که ساکت بودند در این انتخابات شرکت خواهند کرد. البته یک گروه ۲۰ تا ۳۰ درصدی هستند که در هیچ انتخاباتی حضور پیدا نمی‌کنند و این بار هم نمی‌آیند. ۲۰ تا ۲۵ درصد باقی‌مانده هم مناطق‌های مختلفی شرکت نخواهند کرد. یک گروهی هم ممکن است ریاست جمهوری آقای جلیلی را نزدیک ببینند و برای مشارکت اقدام کنند. به هر حال اگر مشارکت را آگاهانه و فعال در نظر بگیریم، سفر رای آقای جلیلی همین میزان است.»

او در ادامه به طیف رای دهندگان که به بسیاری از مناطق اطراف می‌کند: «آنچه شاهدیم این است که بسبب بسیاری از مناطق اطراف تهران، شهرهای دور از مرکز و افراد حاشیه‌نشین به پزشکیان رای داده بودند. بنابراین نشان می‌دهد که برخلاف تصور قبلی که کلانشهرها به اصلاح طلبان رای می‌دهند، این بار مشخص شد که اینطور نیست.

خودشان را پیدا کردند و به او رای دادند و نتیجه میزان مشارکت حدود ۴۰ درصد را ثبت کردند و گروهی که نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری نداشتند و برای رای دادن اقدام نکردند؛ آنها گروه ۶۰ درصدی بودند که می‌توانستند رای بدهند و ندادند.» براساس اعلام این استاد دانشگاه، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد مردم در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کنند؛ بیشترین میزان مشارکت در انتخابات، ۷۵ درصد ثبت شده است، آن گروه حدود ۲۵ تا ۳۰ درصدی را اگر کنار بگذاریم، یک گروه ۳۰ تا ۳۵ درصدی باقی می‌ماند که می‌توانستند شرکت کنند و نتیجه انتخابات را طور دیگری رقم بزنند. سوال اصلی باید برای فهم منطق درونی این حدود ۳۰ درصد متمرکز شود. اما از آنجایی که این ۳۰ درصد یک‌پارچه نیستند، ما در این گروه، می‌توانیم سراغ سه دسته را بگیریم: کسانی که رای نمی‌دهند به این دلیل که به نظام سیاسی، اعتقاد و اعتماد ندارند، کسانی که رای نمی‌دهند چون نامزدی برای خودشان نمی‌بینند و سوم افرادی که رای نمی‌دهند چون تصور می‌کنند، باید از مسیرهای غیرانتخاباتی استفاده کرد، یعنی رای‌شان صرفاً یک کناره‌گیری نیست، بلکه یک اعتراض است به این معنی که باید راه دیگری را انتخاب کرد.

پیام‌هایی به نفع اصلاح طلبان

او با اعلام اینکه نمی‌توان به این سوال پاسخ داد که هر کدام از این گروه‌ها چه وزنی در سید رای پندادگان دارند، چرا که نیاز به عدد و درصد دارد، اما می‌توان گفت که دست‌کم این سه گروه در میان کسانی که شرکت نکرده‌اند وجود ندارند که پیام‌های مهمی می‌دهند. مجاهدی ادامه می‌دهد: «یکی از پیام‌ها این است که در این انتخابات به‌رغم اسفندماه ۱۴۰۲ و سال ۱۴۰۰، که تصویری می‌شد اصلاح طلبان نسبت به رقیب خود پایگاه انتخاباتی‌شان را از دست داده‌اند، مشخص شد که فعلاً بزرگترین پایگاه انتخاباتی را در کشور دارند. از طرف دیگر تصور می‌شد که اصولگرایان به‌عنوان مجموعه‌ای که خودشان را نیروهای انقلابی می‌دانند و این مسئله را در انحصار خودشان در آورده‌اند، پای یک انتخابات حساس که آمد، نتوانست نیروهایش را به ائتلاف برساند و نشان داد که خود آن پایگاه هم دچار نوعی شکاف درونی است. بنابراین می‌توان گفت که ما با اقلیت بزرگ مواجه نیستیم، یک اقلیت دست‌کم دوباره داریم.» او به پیام دیگر نتیجه این انتخابات هم اشاره می‌کند: «یکی از باورهایی که بین منتقدان مشارکت انتخاباتی جا افتاده، این بود که نتیجه انتخابات از پیش تعیین شده بود، یک مفهوم مبهمی به اسم نظام، فرد موردنظر را انتخاب می‌کنند و براین اساس انتخابات یک جور نمایش است. اما نتیجه نشان داد که این انتخاب از پیش تعیین شده نبود. نکته قابل طرح دیگر این است که رشد پایگاه انتخاباتی و مشارکتی اصلاح طلبان نسبت به دو انتخابات گذشته قابل مشاهده است، همچنین نشان می‌دهد که ریزش درصد مشارکت‌کنندگان از آخرین انتخابات تا الان، از کدام گروه هستند. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، میزان مشارکت حدود ۴۸ درصد بود و حالا به حدود ۴۰ درصد رسیده است. این ریزش ۹-۸ درصدی به کدام پایگاه مربوط می‌شود؟ اصولگرایان.»

آغاز شکاف از سال ۸۸

براساس اعلام این استاد دانشگاه، تغییرات اجتماعی بسیار نرم می‌روند و درهم‌نیده می‌شوند، بنابراین دشوار است بتوان مبدأ تاریخی شروع این تغییرات را پیدا کرد اما در کل می‌توان گفت که بعد از شکاف جدی که در سال ۸۸ اتفاق افتاد، مردم در سال ۹۲ با امیدواری رئیس‌جمهورشان را انتخاب کردند، در سال ۹۶ مشارکت بالاتری داشتند اما انتظاراتی که برای آنها برانگیخته شده بود با آنچه

محمد مهدی مجاهدی، استاد علوم سیاسی: یکی از پیام‌ها این است که در این انتخابات به‌رغم انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ و سال ۱۴۰۰، که تصور می‌شد اصلاح طلبان نسبت به رقیب خود پایگاه انتخاباتی‌شان را از دست داده‌اند، مشخص شد که فعلاً بزرگترین پایگاه انتخاباتی را در کشور دارند. از طرف دیگر تصور می‌شد که اصولگرایان به‌عنوان مجموعه‌ای که خودشان را نیروهای انقلابی می‌دانند و این مسئله را در انحصار خودشان در آورده‌اند، پای یک انتخابات حساس که آمد، نتوانست نیروهایش را به ائتلاف برساند و نشان داد که خود آن پایگاه هم دچار نوعی شکاف درونی است. بنابراین می‌توان گفت که ما با اقلیت بزرگ مواجه نیستیم، یک اقلیت دست‌کم دوباره داریم.» او به پیام دیگر نتیجه این انتخابات هم اشاره می‌کند: «یکی از باورهایی که بین منتقدان مشارکت انتخاباتی جا افتاده، این بود که نتیجه انتخابات از پیش تعیین شده بود، یک مفهوم مبهمی به اسم نظام، فرد موردنظر را انتخاب می‌کنند و براین اساس انتخابات یک جور نمایش است. اما نتیجه نشان داد که این انتخاب از پیش تعیین شده نبود. نکته قابل طرح دیگر این است که رشد پایگاه انتخاباتی و مشارکتی اصلاح طلبان نسبت به دو انتخابات گذشته قابل مشاهده است، همچنین نشان می‌دهد که ریزش درصد مشارکت‌کنندگان از آخرین انتخابات تا الان، از کدام گروه هستند. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، میزان مشارکت حدود ۴۸ درصد بود و حالا به حدود ۴۰ درصد رسیده است. این ریزش ۹-۸ درصدی به کدام پایگاه مربوط می‌شود؟ اصولگرایان.»

آمار ۴۰ درصد مشارکت در انتخابات هشتم تیرماه، در حالی از صندوق‌های رای بیرون آمد که تا پیش از آن نظرسنجی‌های رسمی از تخمین مشارکت ۵۰ درصدی خبر می‌دادند. مشارکت شوکه‌کننده در این انتخابات نسبت به دوره قبلی انتخابات ریاست جمهوری هم پایین‌تر گزارش شده است: طبق آمار وزارت کشور، در انتخابات ۱۴۰۰ آمار مشارکت بدون احتساب آرای باطله، ۴۲ درصد بود، اما در دور اول انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، ۶۱ میلیون و ۴۵۲ هزار و ۳۲۱ نفر واجد شرایط رای دادن بودند، اما از میان آن‌ها ۲۴ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۱۸۵ نفر معادل ۲۹/۹ درصد در انتخابات شرکت کردند. این کاهش مشارکت که در ادامه تحریم صندوق رای در سال‌های اخیر رخ داده و همچنان ادامه دارد، واکنش‌های زیادی را از سوی جامعه‌شناسان و سیاستمداران سابق به دنبال داشت و نکته مهمی داشت که از تفاوت بزرگی خبر می‌داد: با وجود مشارکت پایین، آرای کاندیدای اصلاح‌طلب بیشتر از سایر رقبا بود که نشان می‌دهد اقبال به حضور در پای صندوق‌های رای در میان حامیان راه دو طیف اصولگرا و اصلاح‌طلب، افت پیدا کرده و حالا با وضعیت تازه‌ای روبه‌رو شده‌ایم؛ وضعیتی که حتی اگر مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری هم پایین باشد، خلاف دوره‌های قبل، رای اصولگراها بیشتر نخواهد بود. نمونه‌ای از واکنش‌ها به مشارکت ۴۰ درصدی، تحلیل آن به‌عنوان دگرگونی جامعه ایران از سال ۱۴۰۱ است که محمدرضا جوادی یگانه، جامعه‌شناس از آن حرف زده و معتقد است: «جامعه ایران از ۱۴۰۱ دگرگون شد؛ نه چارچوب‌های نظری و نه شیوه‌های نظرسنجی جامعه گذشته، توان شناخت جامعه جدید را ندارند.» از میان سیاستمداران سابق هم می‌توان به گفته‌های علی ربیعی، وزیر کار و تعاون دولت روحانی اشاره کرد. او کاهش آراء در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال‌های ۹۲ و ۹۶ را نتیجه ناامیدی طبقه متوسط از دستاوردهایی دانست که تصور می‌شد با وقوع برجام رخ می‌دهد، اما قدرت‌گرایان ضدتوسعه مانع شدند. او دبروز در صفحه‌اش در شبکه ایکس نوشت: «سقوط منحنی مشارکت در ۱۴۰۳ نسبت به ۱۴۰۰ نیز نشان می‌دهد که طبقات و دهک‌های پایین جامعه در نتیجه سیاست‌های فقرگستر، طبقه متوسط به دلیل عدم گشایش‌ها و در حالت کلی تر عموم مردم به‌ویژه نسل جدید از سیاست‌های تنش‌زا و تنگ‌گستر اجتماعی و فرهنگی به سستوه آمده‌اند.» پژوهشگران حوزه اجتماعی حالا در گفت‌وگو با «هم‌میهن»، از پیام مشارکت ۴۰ درصدی و نادیده گرفته شدن انتخابات از سوی ۶۰ درصد واجدان شرایط می‌گویند؛ بخش زیادی از این نظرات در یک نقطه مشترکند و آن بی‌تفاوتی مردم نسبت به صندوق رای و در پیش گرفتن نوع دیگری از مطالبه‌گری است.

غیبت ۲۰ تا ۲۵ درصدی جامعه از تمام انتخابات

محمد مهدی مجاهدی، استاد علوم سیاسی است و می‌گوید که برای تحلیل آساری میزان مشارکت مردم در انتخابات نیاز به آمارهای تفکیک‌شده داریم، یعنی باید بفهمیم که توزیع آراء، براساس جغرافیا و جنسیت، همچنین گرایش‌های سیاسی نامزدهای مختلف، چطور بوده است. درحال حاضر چنین آمار تفکیکی‌ای وجود ندارد. به‌همین دلیل برداشت‌ها هم نمی‌تواند دقت لازم را داشته باشد. اما با این حال در همین آمار مختصر می‌توان چند گزاره پیدا کرد: «اولین گزاره این است که ما با مجموعه‌ای از اقلیت‌ها و کسانی که رای اکثریت را ندارند مواجهیم، اعم از افرادی که نامزد

